

بسم الله الرحمن الرحيم

نامه سرگشاده حزب التحریر-ولایه سوریه به رهبران گروه های انقلاب سوریه

(ترجمه)



بسم الله و الحمد لله و الصلاة و السلام على رسول الله و بعد! از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«إن مثلي ومثل ما بعثني الله به كمثل رجل أتى قومه فقال: يا قوم إنني رأيت الجيش بعيني، وإني أنا النذير العريان، فالنجاء.. فأطاعه طائفة من قومه، فأدلجوا، فانطلقوا على مهلتهم. وكذبت طائفة منهم، فأصبحوا مكانهم، فصبحهم الجيش، فأهلكهم واجتاحهم.. فذلك مثل من أطاعني واتبع ما جئت به، ومثل من عصاني وكذب ما جئت به من الحق»

ترجمه: من و رسالتی که الله (سبحانه و تعالی) مرا به تبلیغ آن موظف نموده، به مردی می مانیم که نزد قوم اش آمده و خطاب به آنان می گوید: ای قوم! من لشکری را با چشم خودم دیدم که به جنگ شما می آمد و من بیم دهنده عریانم، پس خود را نجات دهید. بعضی ها سخنان آن مرد را باور نموده و از وی اطاعت کردند و شبانگاهان رخت سفر بسته و با استفاده از فرصت از آن جا رفتند؛ اما بعضی دیگر وی را تکذیب کرده و شب را در آن جا سپری نمودند و لشکر در هنگام صبح بر آنان هجوم آورده و آنان را نیست و نابود نمودند. این مثال کسانی است که از من اطاعت نموده و از رسالت من پیروی می کنند و یا از امر من سرپیچی نموده و حقی را که با خود آورده ام تکذیب می کنند.

اصطلاح "بیم دهنده عریان" که در حدیث شریف گفته شده به این معنی است که هرگاه کسی خواسته باشد قوم اش را از خطری که آنان را احاطه نموده و باید از آن حذر داشته باشند بیم دهد، لباس هایش را از تن بیرون کشیده و در حالی که به سرعت به جانب آنان در حرکت است، با لباس اش به سوی آنان اشاره می کند تا آنان را از خطر پیش آمده آگاه نماید. این کار را معمولاً کسی انجام می دهد که پیشاپیش کاروان در حرکت بوده و رهبری آن را در دست دارد؛ زیرا در معرض دید همه قرار داشته و همه به او توجه دارند،

ضمن این که موقعیت او در پیشگامی بهترین موقعیت برای ترغیب و تشویق کاروانیان جهت آماده شدن برای رویارویی با دشمن می باشد.

در حال حاضر دیده می شود که رهبران انقلاب بزرگ مان، اندک اندک دست از مبارزه بر می دارند، در حالی که جنگ هنوز پابرجاست، سلاح از دوش برداشته و آماده استراحت می شوند، در حالی که لشکرهای دشمن در کمین نشسته و خود را آماده انجام حملات غافل گیرانه می نمایند. این رهبران و فرماندهان اینک به شدت نیاز به "بیم دهنده عریانی" دارند که با تکان دادن لباس های خویش، به خطر لشکر دشمن اشاره نموده و با سخنان تند و تیز خویش از دسیسه هایی که آنان را احاطه نموده آگاه نموده و برای شان هشدار دهد که خطرهای بزرگی در انتظار شما قرار دارد تا آنان را از خواب غفلت بیدار نموده، راه نجات را به آنان نشان دهد، با صدای بلند در میان شان فریاد زند و هشدار دهد که: ای قوم! من همان بیم دهنده عریانم، پس خود را نجات دهید، خود را نجات دهید.

حزب التحریر به حجم بزرگ اشتباهی که بسیاری از رهبران گروه های انقلابی در آن قرار گرفته اند، پی برده و خوب می داند که اگر این رهبران به همین منوال ادامه دهند، انقلاب و تمام امت را با مشکلات و بلاهای بزرگی مواجه خواهند نمود. بناً تصمیم گرفتیم به صفت که "بیم دهنده عریان" این نامه سرگشاده را به سوی آنان فرستاده و فریادزنان، آنان را از خطرهایی که احاطه شان نموده هشدار دهیم، به امید این که گوش های شان این فریاد را شنیده و این نامه در دل های شان جای باز کند. به این ترتیب الله سبحانه و تعالی دروازه های رحمت و مهربانی اش را به سوی همه ما بگشاید، انقلاب مان را از این تنگنایی که در آن قرار گرفته به سلامت بیرون برده، ما را از زیر یوغ حاکمیت های ستمگار نجات دهد و نور نصرت، عزت و یاری اش را نصیب مان نماید تا زنده گی پر از خیر و برکتی را در زیر چتر خلافت راشده بر منهج نبوت آغاز نماییم.

ای رهبران گروه های انقلاب! شما خود شاهد هستید که کشتی انقلاب به خاطر عملکردهای شما درهم شکسته و رو به غرق شدن است، سایر مناطق آزاد شده که هنوز در اختیار شما قرار دارد، پراکنده، از هم پاشیده و در معرض چانه زنی کسانی است که با دشمنان تان سازش می کنند. دساتیر صادره از اتاق های فرمان امریکا و توافقات دشمنان اسلام در آستانه، ژنیو و ریاض، به شمول آتش بس با نظام بشار، مشارکت با وی در حکومت و تن دادن به معامله بر سر قربانی هایی را که امت در طول هفت سال گذشته در سرزمین شام داد، کلمه به کلمه عملی می کنند.

در شهر درعا که دروازه ورود به دمشق تلقی می گردید، دست و پای انقلابیون به زنجیر کشیده شد و جنگی که با شعار "مرگ و نه ذلت" آغاز شده بود، متوقف گردید. در غوطه نظام بشار توانسته زمام امور را به دست گرفته و شروع به اعمال فشار و بمباردمان نماید؛ زیرا دو گروه مسلط بر آن: جیش الاسلام و فیلق رحمان، پیوسته با هم درگیر بوده و هرازگاهی تنها اسیران را با هم مبادله می کنند، در حومه شمال حمص به مجاهدین مخلص اجازه داده نمی شود تا جبهات استراتژیک را فتح کنند و این در حالی است که افراد بزدل و متزلزل همواره ساز منطقه گرایی سر را می دهند و اوضاع انقلاب و مردم را در این منطقه رو به وخامت گذاشته اند.

نظام بشار در مناطق شرقی رفته رفته بالای مناطقی که گروه داعش در اختیار دارد، تسلط پیدا می کند و داعش این مناطق را در حالی از دست می دهد که فهم آلوده و غلط اش از خلافت و اسلام را در آن به نمایش گذاشته و اکنون آن را ترک می کند، بدون این که حتی یک تن از ساکنین آن مناطق از رفتن آنان اظهار تأسف و ناراحتی نماید. نیروهای سوریه دموکرات نیز در این مناطق در حال پیشرفت می باشند، نیروهایی که آماده خواهند بود تا مناطق زیر تسلط خویش را برای نظام بشار واگذار نمایند. زمانی که رهبران کردها نقش شان را در خدمت گزاری به امریکا به انجام رسانیده و مطمئن شوند که دولت مستقل کردستان که برای شان وعده داده شده در حقیقت سرابی فریبنده ای بیش نیست.

ترک ها موفق شدند، مناطقی را که با راه اندازی عملیات موسوم به درع فرات تسخیر نمودند، انقلابیون را اغوا نموده، انقلاب را به قتل رسانند و در حال حاضر خود را آماده می کنند تا انقلاب را در منطقه حومه غربی حلب و ادلب نیز به قتل برسانند؛ زیرا این مناطق در حال حاضر تبدیل به پایگاه انقلابیون و آخرین قلعه انقلاب تبدیل گردیده و غرب کافر در پی آن است تا آن را با رنگ تروریزم رنگ آمیزی نماید. گروه تحریر شام را نیز دیدیم، چگونه در دامی قرار گرفت که توان رهایی از آن را ندارد؛ چنان چه به تدریج تشویق شد تا با گروه احرار شام وارد جنگ شده و بسیاری از مناطق شمال غرب را که از دست نظام آزاد کرده شده بود، زیر تسلط خود در آورد و میان دو گزینه ای قرار گرفت که هر دو غلط بود و گمان می کرد، راه سومی وجود ندارد.

گزینه اول این که: در فهم و تطبیق اسلام، مانند داعش دچار اشتباه شده و آن را از یک دیگر جدا معرفی نموده و مناطق زیر تسلط خودش را به ویرانه هایی تبدیل نماید و در نتیجه آن مردم را از برنامه سرنوشت ساز و بزرگ اسلام متنفر کرده و به این ترتیب مردم را آماده کند تا در آینده از هرگونه برنامه سیکولریستی و هر نوع نیروی اشغالگری با آغوش باز استقبال نمایند. گزینه دوم این که مانند دیگران، تن به دساتیر کفار و مزدوران شان داده و جان و مال مردم را در اختیار سیکولران و جیره خوارانی قرار دهند که در قدم نخست از غرب و سپس از نظام بشار اسد حساب می برند و استدلال شان این باشد که ما می خواهیم ادلب را از سرگذشتی نجات دهیم که رقه و موصل به آن گرفتار شد.

مفکوره ای که در این اواخر زیر عنوان اداره مدنی مطرح گردید، در حقیقت تلاشی است برای این که به غرب نشان داده شود که ما دیگر تروریزم نیستیم؛ بلکه تبدیل به بره های چرب و نرمی که به ساده گی می توان ما را بلعید، شده ایم. هدف از طرح این مفکوره آن است که انقلابیون هدف اساسی شان را که در جریان دو سال نخست انقلاب برجسته و روشن گردید و آن این که نظام بشار را سقوط داده و حاکمیت اسلام را جایگزین آن کنند، فراموش نموده و سرگرم این مفکوره شوند و در نهایت آنان را یک گام به سوی زندان نظام نزدیک تر نمایند. آن ها مفکوره اداره مدنی را به شکل عام مطرح نمودند و هدف از آن را در دو بخش باز گذاشتند؛ یا این که این اداره می تواند تنها به عنوان یک اسلوب اداری به منظور توحید فعالیت های خدماتی در موسسات واحدی به کار گرفته شود و یا این که می تواند حکومت کوچک سیکولری باشد که از نظر سیاسی وابسته به مزدوران ائتلاف باشد.

فراخوان جدیدی را که شورای اسلامی سوریه، به ادعای ایجاد وحدت میان گروه‌ها زیر فرمان وزارت دفاعی که حکومت انتقالی آن را تشکیل دهد، نیز در اصل تلاشی است که شکست خوردگان داخل و فریب خوردگان غرب آن را راه اندازی نموده و می‌خواهند، این وزارت از نظر سیاسی وابسته به ائتلاف خاینانه سیکولر باشد. همان ائتلافی که سرگرم آماده‌گی‌ها برای یک‌جا شدن با دشمنان انقلاب در دسیسه‌خانه مسکو و قاهره می‌باشد تا ساختار واحد سیاسی را زیر فرمان نظام خونخوار تشکیل داده و خبر مرگ انقلاب را اعلام نمایند و به این ترتیب بسیاری از رهبران گروه‌های وابسته نیز تن به این فراخوان داده و آن را بپذیرند. کسانی که این فراخوان را مطرح نموده‌اند، می‌ترسند که مبادا برنامه اسلامی که انقلاب به خود گرفته بالای جان آنان شود.

بنابراین تلاش می‌کنند تا از پیشرفت آن جلوگیری نموده و رنگ و بوی اسلامی را کاملاً از آن بگیرند و در عین حال در میان گروه‌های نظامی یک بار دیگر فتنه‌انگیزی نموده و آنان را به جان هم بیندازند تا به این ترتیب راه برگرداندن انقلابیون مخلص شام به سوی دام‌هایی هموار نمایند که توسط نظام بشار و ائتلاف ظالمانه جهانی علیه انقلاب، پهن گردیده‌اند. آنان در تلاش برای زمینه‌سازی به این فراخوان‌شان طوری وانمود می‌کنند که انگار ما به زیر نام مسلمان و گروه‌های مجاهد، توان و امکانات این را نداریم تا کنار هم جمع شده و وحدت را ایجاد نماییم. بنابراین بهتر است که بر اساس یک برنامه مشترک ملی و سیکولریستی خفت بار جمع شویم؛ زیرا بیرون شدن از زیر یوغ نظام بین‌المللی مستحیل بوده و فیصله‌ای که غرب در مورد ما نموده به هیچ وجه قابل تغییر نمی‌باشد.

ای رهبران گروه‌های انقلابی! آیا اینک پس از آن که هزاران هزار تن شهید شد، صدها هزار مجروح، معلول و اسیر گشت، بیشتر از ده میلیون بی‌خانمان و مهاجر شدند و ده‌ها هزار منزل ویران و هزاران مکتب، شفاخانه و بازار با خاک یک‌سان گشت. آیا اینک پس از این همه قربانی‌ها را که هزینه این انقلاب نمودید، می‌پذیرید که سرافکنده و ذلیلانه مجدداً به دامن نظام جنایتکار بشار برگردید تا بار دیگر پشت مردان آزاده سرزمین شام را با تازیانه‌های وحشت‌خویش سرخ و کبود نموده و خواهران آزاده مان را به سوی بازداشتگاه‌ها سوق دهد؟ مگر می‌دانید که با تن دادن به دسیسه‌های کفار و منافقین، به علاوه ذلت و خواری که نصیب تان خواهد شد، تمام دست‌آوردهایی که در این سال‌های خونین داشتید، با دست‌خودتان به باد خواهید داد!

هرچند اسبابی که این بلاها و مصیبت‌ها را به بار آورد و انقلاب را به این‌جا کشانید و باعث این همه مشکلات و خطاهای کشنده گردید، برای همه‌گان روشن است؛ اما باز هم از باب تذکر می‌خواهیم یادآوری نماییم که دلیل اصلی و اساسی آن، این بود که شما-ای رهبران گروه‌ها- با دشمنان انقلاب، اعم از دولت‌های غربی و نظام‌های وابسته به آن، ارتباط برقرار نمودید. این دولت‌ها و نظام‌ها بر خلاف باور قلبی خویش، شما را حق به جانب خوانده و انقلاب‌تان را یک انقلاب راستین می‌نامند. حکومت ترکیه، سعودی، قطر و اردن با استفاده از پول‌های زهرآلود سیاسی و از طریق دستگاه‌های استخباراتی‌شان، از همان ابتدای انقلاب با جدیت تمام تلاش نمودند تا با افراد برجسته و محرکین اصلی انقلاب و هم‌چنین رهبران گروه‌ها و سربازانی که از نظام جدا شده و به انقلابیون پیوستند، ارتباط برقرار نمایند. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ﴾

ترجمه: بی‌گمان کسانی که کفر ورزیدند، اموال خود را خرج می‌کنند تا (مردم را) از راه الله (سبحانه و تعالی) بازدارند.

با استناد به این آیت شریفه، با اطمینان و قاطعیت می‌توان گفت: آن کمک‌های مالی به هیچ صورت مخلصانه و در راه الله سبحانه و تعالی به مصرف نرسیده، بلکه به این منظور بوده تا روزی فرا رسد که آنان بتوانند با استفاده از آن، مسیر انقلاب را تغییر داده و مانع دست‌رسی آنان به هدف اصلی‌اش شوند که همانا سقوط دادن نظام مزدور بشار و تأسیس نظام خلافت به جای آن است، نظام خلافتی که در صورت برپایی آن، تمام دولت‌ها و نظام‌ها از هم پاشیده و اعتبارشان را از دست خواهند داد.

ما بارها شما را در خصوص این پول‌های کثیف هشدار دادیم؛ اما شما به هشدار ما توجه نکردید و همه می‌دانیم که صاحبان این دسیسه بین‌المللی با این پول‌ها موفق شدند که اهداف شومی را متحقق کنند. آنان در ابتدا توانستند گروه‌ها را از هدف اصلی‌شان که سقوط دادن نظام در زادگاه آن (دمشق) بود، منصرف کرده و با گرفتن قدرت تصمیم‌گیری از آنان، توانستند آنان را سرگرم زد و خوردهای بی‌فایده نمایند که این‌جا و آن‌جا راه‌اندازی می‌گردیدند. هم‌چنان، راه را به سوی وحدت بر سر برنامه درست به روی آنان بستند، بلکه حتی آنان را به جان یک دگر انداختند.

پذیرفتن نمایندگان سیاسی برای انقلاب که در اصل سیکولران مزدور بودند، سلسله‌ای از آتش‌بس‌های کاملاً غلط و گناه‌آلود با نظام را وارد روند انقلاب نمودند، دروازه گفتگو‌هایی را میان گروه‌ها و نظام در آستانه و ژنیو باز نمودند که سراسر تحقیر بود و نتیجه آن تسلیم نمودن شهرهای کامل به دشمن و فارغ نمودن برخی مناطق از مردم برای جمع نمودن انقلابیون در آن‌ها بودند. برخی افراد سست‌عنصر تلاش نمودند که مسئله مصالحه با نظام را ترویج کنند و بدون شک هرگز ممکن نبود تا تمام این مصیبت‌ها و عقب‌گردها اتفاق بیفتند؛ اگر آن ارتباط نادرست برگزار نمی‌گردید، ارتباطی که انقلاب و انقلابیون را در گرو تصامیم دولت‌های کافر غربی قرار داد هرگز رخ نمی‌داد.

اگر یک گام دیگر به عقب برگردیم، خواهیم دید که دلیل اصلی و سبب واقعی که انقلاب را به این وضعیت ناهنجار و در این گرداب قرار داد، همانا افکار غلطی بود که به انقلابیون اجازه می‌داد تا آنان پول‌های حرام و کثیف را بپذیرند. این افکار قرار ذیل است:

اول: قاعده غلطی که از مفکوره سرمایه‌داری نشأت کرده (هدف، وسیله را توجیه می‌کند) انقلابیون این قاعده کفری را اصل قرار داده و فراموش نمودند و یا خودشان را به فراموشی زدند که الله سبحانه و تعالی نماز بدون طهارت و صدقه دزد را نمی‌پذیرد.

دوم: این تصور غلط که گویا منافع‌شان با دولت‌های بزرگ در تقابل قرار خواهند گرفت. این تصور غلط، درک و درایت بسیاری، به اصطلاح اسلام‌گرایان را منحرف نمود و در نتیجه از درک این حقیقت غافل ماندند که شما به صفت یک گروه هرگز نمی‌توانید خود

را با یک دولت مقایسه نمایید. رابطه ای که در صورت پذیرفتن کمک های آن دولت، میان گروه شما و دولت کمک کننده به وجود خواهد آمد، قطعاً رابطه تسلط و حاکمیت آن دولت بالای شما و سوء استفاده از شما خواهد بود.

سوم: این مفکوره که ما حاضریم برای رها شدن از شر نظام بشار، حتی با شیطان هم پیمان شویم، بی خبر از این که هم پیمان شدن با شیطان ما را به پرتگاه های خطرناک تر و تسلط بیش تر نظام بشار را بالای ما خواهد کشانید؛ زیرا نظام خود مزدور و اجیر شیطان است و این که شیطان، سازمان خیریه نیست؛ بلکه حیوانات وحشی مجهز با چنگ و دندان های بران بوده و همراه شدن با آن به جز ندامت و افسوس چیز دیگری به بار نخواهد آورد. الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿يَعِدُّهُمْ وَيَمُنِّيهِمْ ۖ وَمَا يَعِدُّهُمْ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا﴾

[نساء: ۱۲۰]

ترجمه: شیطان به آن ها وعده ها (ی دروغین) می دهد و به آرزوها، سرگرم می سازد؛ در حالی که جز فریب و نیرنگ، به آن ها وعده نمی دهد.

چهارم: این مفکوره که می توان به خاطر جلب منفعت و دفع ضرر، از اساسات شرعی هم کوتاه آمد، در حدی که این مفکوره مزخرف (مصلحت) در نزد بعضی ها که خود را عالم می دانند، تبدیل به معبودی شده که در کنار الله سبحانه و تعالی آن را عبادت می کنند.

پنجم: فهم مریض و غلطی که از سیاست شرعی در نزد آنان ایجاد شده، در حدی که صاحبان این فهم غلط، گمان می کنند که سیاست، یعنی کوتاه آمدن در برابر کفار، به قیمت زیر پا گذاشتن احکام شرعی؛ بلکه حتی دست کشیدن از دین الله سبحانه و تعالی به صورت کامل و روی آوردن به سیاست شرعی نیز در نزد آنان مطرح می گردد.

ای رهبران گروه های انقلاب! واقعیت تلخی که در آن قرار داریم و اسباب آن از نظر ما چنین است که با کمال امانت داری در این جا برای تان بیان نمودیم؛ چنان که قبلاً نیز بارها و بارها بیان نموده بودیم، اما واکنشی جز روی گرداندن و تجاهل از جانب شما ندیدیم.

و اما راه حل اساسی که ما برای تمام مشکلات انقلاب می بینیم و دواي مؤثری که برای تمام دردها سراغ داریم و شما را فرا می خوانیم که هرچه عاجل تر و پیش از آن که فرصت را کاملاً از دست دهید، بدان چنگ زنید، این است که با جدیت کامل و با احساس مسوولیت بیشتر در قبال سرنوشت انقلاب تان بیندیشید و فراموش نکنید که قربانیان داده شده در راه این انقلاب در چه سطحی بوده و میزان خطری که آن را احاطه نموده به کجا می رسد؟ هنوز فرصت هست تا در مسیر درست گام بگذارید و مسیر درست این است که اصول ثابت و غیر قابل تغییر انقلاب را با دقت و وضوح کامل مشخص نمایید که همانا سقوط دادن نظام بشار به صورت کامل، رهایی از نفوذ غرب استعمارگر و برپایی دولت امت، یعنی دولت خلافت راشد بر منتهج نبوت است. سپس به سرعت تمام روابطی را که با دشمنان انقلاب دارید، با دست رد زدن به پول های سیاسی کثیفی که از جانب آنان سرازیر می گردد، قطع نمایید. به تفرقه،

اختلاف و رویارویی میان گروه‌ها پایان دهید و با راه اندازی مذاکرات برادرانه، بر اساس برنامه سیاسی واضح و برگرفته شده از کتاب الله سبحانه و تعالی و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم، به وحدت و یک پارچه گی دست پیدا کنید.

هرچند در گذشته نیز بارها و بارها شما را به سوی این راه حل فراخوانده بودیم؛ اما باز پاسخی بجز روی گرداندن و تجاهل از شما ندیدیم، اما باز هم ما به صفت برادران تان در حزب التحریر، حاضریم تا برنامه سیاسی واضح فوق الذکر را به شما پیشکش نماییم. به امید این که همراه با ما و زیر رهبری سیاسی ما به سوی رضایت الله سبحانه و تعالی حرکت نمایید، تا باشد اهداف انقلاب، مصلحت و سعادت امت را در هر دو جهان به دست آورده و امت را به عزت و شکوه و مجد گذشته آن بر گردانیم.

ای رهبران! ما می دانیم واقعیتهایی که شما اکنون در آن به سر می برید، با آن چه که ما شما را به سوی آن فرا می خوانیم، بسیار متفاوت و فاصله میان آن بسیار زیاد است؛ اما کسی که خواسته باشد خود را از این مهلکه نجات دهد و خود و اهل خویش را از شری که به آنان روی کرده و به هیچ کس هم رحم نمی کند، وقایه نماید، نیاز جدی و مسوولیت حتمی است که هر نوع سهل انگاری در برابر آن می تواند جبران ناپذیر باشد. در عین حال، قسم به الله سبحانه و تعالی، این کار برای کسانی که یگانه شرط آن را داشته باشند که همانا اخلاص نیت به الله سبحانه و تعالی و توکل درست به او تعالی است، بسیار سهل و آسان خواهد بود. شک نکنید؛ اگر ما دین الله سبحانه و تعالی را مخلصانه نصرت دهیم، او تعالی نیز ما را علیه دشمنان مان نصرت خواهد داد، حتی اگر تمام انس و جن علیه ما دست به کار شده باشند. چنان چه می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾

[محمد: ۷]

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر الله (سبحانه و تعالی) را یاری کنید، یاری تان می کند و گام های تان را استوار می دارد.

ای رهبران گروه های انقلاب! این است واقعیت غلطی که شما در آن به سر می برید، آن هم فرجام تاریکی که انقلاب را به جانب آن سوق می دهید و این هم یگانه روزنه نجات و امیدی که ما با کمال اخلاص و صداقت برای تان توضیح داده و شما را به سوی آن فرا می خوانیم تا باشد که با حرکت نمودن به جانب آن و با ادا نمودن مسوولیت تان به گونه درست و استحکام بخشیدن و تسلیم نمودن امور انقلاب به اهل آن، خود و پس از خود تمام امت را از مهلکه نجات دهید. این ها فریاد و نصیحت کسانی است که شما را دوست داشته و از روی مهربانی و حرص زیاد به نجات شما و امت، آن را به گوش شما می رسانند. آنان کسانی هستند که لشکر را با چشمان خویش دیده و اینک با تکان دادن لباس خویش به شما هشدار داده و از خطر قطعی و سنگینی که شما را احاطه نموده آگاه می کنند.

سخن اخیر این که: ای رهبران گروه های انقلاب! بدانید این امتی که از آغاز انقلاب تا کنون جگر گوشه هایش را در اختیار شما قرار داده و دار و ندار خویش را همراه با شما در این راه گذاشته، هنوز هم آماده است تا این راه را با تمام دشواری هایش هم چنان ادامه دهد و در این مسیر تا فرا رسیدن نصرت و یاری الله سبحانه و تعالی در کنار شما قرار داشته باشد؛ اما به شرط این که روزنه امیدی وجود داشته و مطمئن باشد که راه هنوز به صورت کامل به سوی پیروزی مسدود نگردیده است.

در عین حال این را نیز بدانید؛ اگر به همین وضع باقی مانده و مسیرتان را تغییر ندهید، باز همین امت است که این پیشگامی و رهبریت را از شما پس خواهد گرفت، چنان که از کسانی قبل از شما پس گرفت؛ زیرا قدرت از آن امت است و شک نکنید که آن را از هر کسی که به زور به چنگ آورده و از آن سوء استفاده نماید، چه زود و چه دیر، بازپس خواهد گرفت. بناً از قهر و غضب الله سبحانه و تعالی و سپس این امت، بر حذر باشید، امتی که مشتاقانه در پی آن است تا شریعت پروردگار اش را زیر پرچم رسول الله صلی الله علیه و سلم و رهبری خلیفه ای که عزت و عظمت از دست رفته اش را برایش برگرداند، برپا نماید.

﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾

[نور: ۶۳]

ترجمه: خطاب کردن پیامبر(صلی الله علیه و سلم) را در میان خود؛ مانند خطاب کردن بعضی از خودتان به بعضی(دیگر) قرار مدهید. الله(سبحانه و تعالی) می داند(چه) کسانی از شما دزدانه(از نزد او) می گیرند؛ پس کسانی که از فرمان او تمرد می کنند، بترسند که مبادا بلایی بدیشان رسد یا به عذاب دردناک گرفتار شوند.

ای رهبران گروه های انقلاب! این بود فریاد و هشدار مان به شما، به امید این که به آن اهمیت داده و استجابت نمایید!

حزب التحریر-ولایه سوریه

۱ محرم ۱۴۳۹ هـ.ق

۲۱ سپتمبر ۲۰۱۷ م